موسیقی و نوحه سرایی

نارنجی نژاد، محمد مهدی

ارتباط نوحه‏ها و مدایح مذهبی با موسیقی باتوجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی روز، دغدغه نویسنده در متن زیر است. وی اشاره‏ای هم به علل افت کیفیت نوحه‏ها و مدایح دارد.

مقدمه

ء آفرینش و خلاقیت هنری، از وجوه بارز و اصلی نغمه‏سرایی و نواهای مذهبی است و موسیقی و شعر نقش اصلی را در نواها و نغمه‏های مذهبی ما دارند.

ء مسلمان شیعه ایرانی، اصالت فرهنگی و هنری خود را همراه با اعتقادات ناب مذهبی و عرفانی خود گره زده است و در عرصه اجتماعی خویش گسترده است.

ء شاهد افت کیفیت هنری و معنوی عزاداری‏ها و جشن‏های مذهبی بوده‏ایم که علت آن به فقر موسیقایی و نداشتن اخلاص معنوی در این نوحه‏هاست.

نگاهی تحلیلی به نوحه‏سرایی و مداحی

ء محمدمهدی نارنجی‏نژاد

یکی از موضوعات بسیار جالب توجه که از نگاه منتقدان و تحلیلگران هنری و فرهنگی ما به دور مانده است، ارتباط میان نوحه‏ها و موسیقی‏های روز است. این بحث از بحث‏هایی است که هم به لحاظ اجتماعی و بعضاً سیاسی دارای عرصه‏ای وسیع و جالب توجه است. اگر خوب دقت کنیم موسیقی عزاداری‏ها و جشن‏های مذهبی (به صورت دقیق‏تر الحان و نغمات) بسیار تحت تأثیر موسیقی روز پرطرفدار و رایج و غالب جامعه است. (البته، این یکی از عوامل موثر بر نواهای مذهبی است.) تا حدی که می‏توان گفت با تغییر نوع فرم و شکل موسیقی رایج، شیوه و شکل الحان مداحان نیز تفاوت می‏کند.

اصولاً دو عامل کلی تأثیرات به‏سزایی روی این موضوع می‏گذارد. یکی، عوامل اجتماعی و دیگری، تأثیر عوامل هنری. جامعه ما پس از انقلاب و بخصوص در ده سال اخیر، تغییرات زیاد و شگرفی را به خود دید و با توسعه آزادی‏های اجتماعی، فرهنگی، هنری و... شکل و ارایه آثار هنری و موسیقایی دگرگون شد. موسیقی پاپ بعد از سکوتی طولانی (در داخل کشور) با جهش و استارتی سریع که هم نیاز و استقبال عمومی را درپی داشت و هم سبکی نو در موسیقی محسوب می‏شد، به میدان آمد و طبق این استقبال چشمگیر، آرام‏آرام ذائقه و حافظه موسیقایی مردم ما، به سمت حالات و فرم بیانی موسیقی پاپ کشیده شد.

باتوجه به این وضعیت، مداحان ما شروع به ساختن نواهایی در این فضا کردند، تا آنجایی که عده‏ای از مداحان ملودی‏پردازی در گام‏های مینور را بهتر از گام‏های موسیقی اصیل ایرانی می‏توانند انجام دهند و در فضای موسیقی پاپ (ایرانی- عربی- ترکی) آسان‏تر می‏خوانند. بخش دیگر، موضوع ظهور ترانه و کلمات عامیانه در اشعار مربوط به نغمات و الحان مذهبی است.

در سابق بسیار سبک و ناپسند بود که کسی از الفاظ عامیانه به صورت ترانه درمورد ائمه و مناسبت‏ها استفاده کند. اما اکنون به کرات و اشکال گوناگون، شاهد وقوع این پدیده هستیم. (البته، نگارنده به هیچوجه اجازه قضاوت یکسویه به خود را نمی‏دهد. شایان ذکر است که ترانه سرایی، هنری بسیار زیبا، لطیف و صادقانه است و آثار بسیار زیبایی در این فرم ساخته شده است.) ولی این دلیل نمی‏شود که ما ارزش آثار خوب و زیبایی را که در این زمینه ساخته شده است، منکر شویم. زبان بی‏تکلف، و صداقت خاص موجود در ترانه، می‏تواند لحظات و فضاهای بسیار ناب و معنوی را با زبانی ساده مهیا کند. اما در کل، این نوع عزاداری و مداحی که تحت تأثیر موسیقی‏های روز و مصرفی، از نوع فارسی- عربی، یا ترکی ساخته می‏شود، و بعضاً دارای اشعار سبک و دور از شأن است، مورد اعتراض و انتقاد بسیاری از علما، مداحان و شاعران اصیل، اهل فرهنگ و هنر و معنا، و اقشار مختلفی از عوام و خواص است. اما، مهمترین ویژگی این حرکت، فرهنگ گسترده‏ای است، که آرام‏آرام اصالت فرهنگی، مذهبی و هنری ما را کمرنگ می‏سازد و مفاهیم بلند و رسای مذهبی و فی‏الواقع عرفان مذهبی و شیعی را، کوچکتر جلوه می‏دهد، یا قربانی می‏سازد. و از آنجا که این بحث، ابعاد فرهنگی- اجتماعی گسترده‏ای دارد، عواقب و تأثیرات خاص خود را داراست.

این مقال سعی بر آن دارد، ابعاد مختلف این موضوع را با نگاهی تحلیلی و نو و با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی امروز روشن سازد و از هرگونه قضاوت بیجا و یکسویه درمورد زوایای گوناگون آن خودداری کند. در راستای این هدف، و بررسی دقیق‏تر، دو محور اصلی را می‏توان درباره این بحث مطرح کرد:

- ارتباط میان اجزای موسیقایی و هنری نغمات مذهبی، با مفاهیم مرتبط.

- بررسی بعد اجتماعی- فرهنگی موضوع، و نقش و تأثیر آن.

- مسلم است که آفرینش و خلاقیت هنری، از وجوه بارز و اصلی نغمه‏سرایی و نواهای مذهبی است. و وجود این اصل، ما را بر آن می‏دارد، تا تجزیه و تحلیل هنری مناسبی از نغمات و نواهای مذهبی (به عنوان آثاری هنری) داشته باشیم. موسیقی (آواز) و شعر، نقش اصلی را در نواها و نغمات مذهبی ما ایفا می‏کنند.

ولی در نوحه‏سرایی و نغمات مذهبی، این دو هنر را همزاد و همراه یکدیگر می‏یابیم. به عبارتی دیگر، در سیر آفرینش هنری و شیوه و مسیر بروز خلاقیت، این دو هم مسیر یکدیگرند و این از آن جدا نیست. گاهی اوقات می‏بینیم که شعر و کلام براساس ملودی نوحه‏سرا ساخته شده است، یا در جریانی خود انگیخته و خلاقه، شعر و آهنگ، با هم ساخته شده است. مانند:

عباسم عباسم رفتی تو ز دستم

مظلوم ابا الفضل شهید

ابالفضل (در مایه چهارگاه)

اشعاری که صرفاً براساس ملودی ساخته شده‏اند، همیشه بر پایه فرم عروضی خاص نیستند، زیرا تابع حرکت و تقسیمات زمانی ملودی‏اند. اما گاهی اوقات، ملودی براساس شعر ساخته می‏شود. مثلاً، شعری را که شاعری سروده است بر می‏دارند و براساس آن، نوحه خود را میسازند. مانند:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است (محتشم کاشانی)

اما اگر بخواهیم ارتباط شعر (یا کلام) و ملودی را در نوحه‏ها بهتر دریابیم، باید از دو زاویه وارد این مقوله شویم.

- هماهنگی و ارتباط ریتمیک مناسب میان کلام و ملودی.

ارتباط مفهومی و معنوی مناسب میان واژگان و پرداخت موسیقایی.

1- در نوحه‏سرایی اصیل ایران که در حوزه فرهنگی- هنری کشورها بوده و هست، حرکت ریتمیک و متریک براساس فرهنگ موسیقایی، نوع کلام، حالت احساسی- عاطفی و درونی واژگان و داستان مربوطه است. در واقع، همه چیز سرجای خود قرار دارد و آنطور که می‏تواند به جریان تولید اثر کمک کند به کار گرفته می‏شود. ریتم به عنوان عاملی مهم که در پرداخت موسیقایی و تراژیک، نقش محوری را به عهده دارد و هماهنگی بسیار خوبی با کلمات و شکل و درون آنها دارد. (و باید داشته باشد.)

به عنوان مثال، در نوحه معروف شام غریبان، به خاطر وجود حالت بسیار حزن‏آلود و مویه‏آور از یک شش و هشت آهسته همراه با ملودیی در مایه دشتی استفاده شده است:

امشب زمین کربلا از خون گلستان است

شام غریبان است، شام غریبان است

جسم حسین بی‏کفن افتاده عریان است

شام غریبان است، شام غریبان است

اگر دقت کنیم، می‏بینیم حرکت ریتمیک و سرعت ملودی، با کلام و فضای مورد نظر تعادل و توافق دارد، که اگر هر کدام از این عناصر را تغییر دهیم، کل مجموعه مختل می‏شود.

یا نوحه اصیل شب عاشورا: (چهارگاه)

امشبی را شه دین در حرمش مهمان است

مکن ای صبح طلوع، مکن ای صبح طلوع

صبح فردا بدنش زیر سم اسبان است

مکن ای صبح طلوع، مکن ای صبح طلوع

دارای ریتم و مترتند، در مایه چهارگاه و حالت رزمی، غلیان آور و جوشنده و هشداردهنده، و در نتیجه ایجاد فضایی بسیار گویا و متناسب با واقعه پیش رو ارایه می‏شود.

در واقع با رعایت و همیاری تمام عناصر هنری دخیل در این اثر و بویژه نقش محوری ریتم و شکل حرکت و تاثیر به سزای آن در انتقال مفهوم و فضای مورد نظر (و بار روانی) می‏توان به اهمیت ریتم و ارتباط آن با دیگر عناصر در پردازش کار پی برد.

جالب‏تر و در عین حال زیباتر و طبیعی‏تر از هر چیز، این است که تمام این عناصر در جریانی خودانگیخته، درونی، و با سوز و حالی عاشقانه و عارفانه گرد هم آمده است. و این ویژگی بارز هنر ناب است. هنری که ذره‏ای دروغ، فریب و دورویی در آن جایی ندارد.

2- همیشه مفهوم کلام و فضای خاص، و فرهنگی که اثر، ارایه می‏دهد در موسیقی جلوه‏گر است و خود را با اجزا، و عوامل موسیقایی و هنری به نمایش می‏گذارد.

در آفرینش ناب هنری و موسیقایی، مفهوم کلام و فضای آن، با جنس موسیقی و فرهنگ آن ارتباط مستقیم دارد. در واقع، فرهنگ هنری و کلیت فرهنگ، به عنوان پایه و یک حلال قوی همه چیز را در خود حل می‏کند. زیرا مقوله فرهنگ و هویت، به صورت ناخودآگاه در هنرمند، جریان دارد، و در فرآیند آفرینش هنری او سهمی به سزا را داراست. اگر در آثار موسیقی مذهبی خود به درستی دقت کنیم، این اصل را بسیار خوب دریافت خواهیم کرد. چرا که حرکت و جریان موسیقایی، تناسب مفهومی بسیار زیادی با فرهنگ مورد نظر و پایه‏های معرفتی، فکری و عرفانی آن و بار عاطفی و روانی واقعه موردنظر دارد و در تصویربرداری مناسب موسیقایی بسیار موفق است.

در واقع، مسلمان شیعه ایرانی، با پشتوانه فرهنگی و هنری اصیل خود، و با نگرش خاص خود به وقایع، عشق و شوری زایدالوصف و ولایتی عمیق و بلند، با پیشوایان مذهبی خود نفس می‏کشد، زندگی می‏کند، عشق می‏ورزد، در سختی و آسایش یاد آنان می‏کند، و از حیات تا ممات، زلف در گیسوی آنان گره می‏زند و عشق به پیامبر و اولادانش را به مانند عشق به خداوند می‏داند.

بهتر است موضوع را با مثال و مصداق توضیح دهیم. مثلاً این نوحه معروف در گوشه عشاق:

بر مشامم می‏رسد هر لحظه بوی کربلا

بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

کربلا یا کربلا، کربلا یا کربلا

تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده

تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

کربلا یا کربلا، کربلا یا کربلا

در این مثال، به خوبی دیده می‏شود که نوع و حرکت ملودی، بار روانی کلمات را آنطور که باید بیان می‏کند. تصویرسازی موسیقایی به بهترین نحو انجام می‏شود، تمام کشش‏ها، ایست‏ها، تاکیدات روی کلمات (آکسان‏ها- که بسیار دقیق است) و بار ریتمیا کار با ساختار ظاهری، باطنی و روایی کلمات تناسب بسیار خوب و شایانی دارد. باز در این نمونه، می‏بینیم که کلمه «مشام» طوری ادا شده است که انگار انسان، بویی را حس می‏کند و وقتی کلمه می‏رسد، ادا می‏شود، آن حالت و کشش مویه‏دار چنان است که گویی، عطر کربلا به مشام شخص رسیده است.

در اینجا، کلمات در قالب یک سوال و جواب دقیق و رسای موسیقایی گرد هم آمده، و تناسب بین شعر و موسیقی، بدان حد رسیده است که تصاویر این عشق و مقصود آفریننده اثر و اعمال که بدان اشاره می‏کند، در ذهن و روح ما نقش می‏بندد. و این آفرینش ناب هنری، چیزی جز معجزه عشق و کشش اعتقادی- عرفانی این اشخاص نبوده، که هنرشان را این چنین رسا و صدایشان را تا ابد، جاوید کرده است. در واقع، این نوع هنرمندی، اعطای مقام عنایت و نوکری است که تمام اصول فنی و طبیعی هنر را نیز در خود حل می‏کند.

بعد اجتماعی و فرهنگی

مسلم است که نوحه‏ها همیشه در جمع اجرا می‏شوند و اعتقادی جمعی و حضوری اجتماعی در آن بسیار مشهود است. بی‏شک ، می‏توان گفت، در هر دوره‏ای از تاریخ، عزاداری‏ها به گونه‏ای خاص اجرا می‏شده است، که علل و ویژگی‏های سیاسی- اجتماعی و فرهنگی آن دوره، مهمترین تأثیرات را بر آن دارد. این را باید دانست، که ویژگی‏ها و شرایط اجتماعی فرهنگی و هنری موسیقی در هر دوره‏ای از تاریخ و نوع حضور و جایگاه موسیقی در اجتماع و شیوه‏های کاربردی و کارکردی آن، بحثی بسیار بنیادین و تأثیرگذار بر مداحی و نوحه‏سرایی تلقی می‏شود. چرا که موسیقی از آن انسان است و انسان‏ها دارای روحی اجتماعی هستند که اعتقادات، احساس‏ها، و فرهنگ مشترک، اساس تفکر جمعی آنان را تشکیل می‏دهد.

حال، هنر به عنوان زبان خلاقه و لطیف درون، که دست حس و اندیشه را بر گردن یکدیگر می‏اندازد، در سایه اندیشه و اعتقاد اجتماعی، چه جایگاهی دارد؟

بی‏شک، زمانی که منبع عظیم و گرانبهای هنر ملی، با عمق اعتقادات و عشق دینی یک ملت گره بخورد، ما با اصلی بسیار ریشه‏دار و موضوعاتی بسیار مهم روبرو خواهیم شد. پدران ما با تمام تضادها، تناقض‏ها و نابسامانی‏هایی که در دوران‏های مختلف تاریخ داشته‏اند، به طور خودآگاه و ناخودآگاه، ناقل اصالتی رازگونه و گنجینه‏ای گرانبها و گوهر بار بوده‏اند. اصالت و اندیشه‏ای که (در میراث موسیقایی و فرهنگی) متن آن عروج وجودی انسان به سمت جایگاهی والاتر است، آن‏سان که شایسته اوست و با ذات و فطرت او همخوانی دارد و این میراثی پدری است.

اینطور است که می‏بینیم مسلمان شیعه ایرانی، اصالت فرهنگی و هنری خود را همراه با اعتقادات ناب مذهبی و عرفانی خود، گره زده است و در عرصه اجتماعی خویش گسترده است.

در اینجا، سوءالاتی مهم پیش می‏آید، و آن این است که آیا ما، امانتداران خوبی بوده‏ایم؟ آیا توانسته‏ایم این میراث گرانبها را که حاج اکبر ناظم‏ها و صدها شخص گمنام در طول تاریخ به ما رسانده‏اند، حفظ کنیم، یا لااقل به آن احترام بگذاریم؟! آیا توانسته‏ایم مرزی با مسما و دقیق میان حفظ اصالت و ریشه‏هامان و نیازهای مصرفی روز جوانانمان داشته باشیم؟! آیا توانسته‏ایم به وسیله هنر بزرگ و گرانقدر مداحی، فرهنگسازی مناسب و پویایی را در سطح اجتماع داشته باشیم؟! و فضای هیأت را سرشار از معرفت و عشق دینی و شیعی بکنیم؟! آیا رسانه‏ها و ارگان‏های فرهنگی ما، در پی ارتقای فرهنگی و هنری عزاداری‏ها و جشن‏های مذهبی بوده‏اند؟! و ده‏ها سوءال دیگر، که در آن یا موفق بوده‏ایم، یا ناموفق.

در سال‏های اخیر، با نزولی بسیار فاحش در کیفیت هنری و ارایه نوحه‏ها و نغمات مذهبی روبرو بوده‏ایم، که این پدیده دلایل خاص خود را داراست، ولی ما به اختصار به مواردی اشاره می‏کنیم.

با ساخت و ارایه دوباره موسیقی پاپ (با سطوح مختلف) در اجتماع ما، و استقبال عمومی مردم و بخصوص نو بودن و جوانپسند بودن این نوع موسیقی، عده‏ای از مداحان ما که خود نیز اکثرا جوان بودند، به ساخت نوحه در این فضا پرداختند که با فراز و فرودهای بسیاری همراه بود.

البته، گروهی از مداحان که اتفاقا شناخته شده نیز هستند، در همین فضا ولی بسیار وزین وموقر، کار کردند، یا به صورت تلفیقی به ارایه اثر پرداختند.

دسته‏ای نیز به آثار دسته چندم پاپ فارسی، یا از نوع هندی و عربی آن پرداختند، بعضی هم، اصالت خود را حفظ کردند و بر آن پایبند ماندند. اما پدیده‏ای که بسیار کلان و مانند جریان آب حرکت کرد، این بود که عده‏ای از مداحان احساس کردند از بخش‏های اکثریتی جامعه عقب می‏افتند، و باید خود را با روند روز، هماهنگ کنند. حال، این احساس می‏توانست هم خودآگاه باشد و هم ناخودآگاه. ولی نکته مهم این بود که هماهنگ با روند یادشده، ما شاهد افت کیفیت هنری و معنوی عزاداری‏ها و جشن‏های مذهبی بودیم و این به خاطر فقر موسیقایی و عدم داشتن اخلاص معنوی لازم، در این نوحه‏ها بود که عشق و اندیشه متعالی را آنطور که باید نشان نداد و مسیر اجتماعی خاصی را برای ما رقم زد که با آن روبرو هستیم.

حقیر به هیچ وجه قصد سیاه‏نمایی و افراط را ندارد، اما نکاتی است که باید آنها را به یکدیگر تذکر دهیم و روی آن تأکید کنیم. مهمترین وظیفه‏ای که در شرایط کنونی بر گردن ماست، فرهنگسازی همه جانبه در جهت حرکت در مدار اصالت مذهبی، ملی، فرهنگی و هنری است. چرا که ما دارای یک پشتوانه عظیم فرهنگی و هنری هستیم که باید آن را روز به روز به مردم و نسل جدید بیشتر بشناسانیم.

ارگان‏های فرهنگی، مانند: صدا و سیما، ارشاد، حوزه هنری و... نقش بسیار خوبی در این موضوع می‏توانند داشته باشند. بخصوص صدا و سیما که بیشترین ارتباط را با مردم داراست، به خوبی می‏تواند رسالت خود را در حفظ اصالت مذهبی، فرهنگی و هنری انجام دهد. البته، کارهای پراکنده بسیار انجام شده است اما به علت عدم انسجام در مدیریت و برنامه‏ریزی خرد و کلان، ادامه پیدا نکرده است. باید از نوحه‏سرایی و مداحی اصیل حمایت کرد، آن را اشاعه داد و به مردم شناساند و این در ذائقه مردم نیز تأثیری مثبت خواهد گذاشت. باید از مداحان اصیل و قدیمی تقدیر کرد، آنها را به مردم شناساند، تا مردم زیبایی و اخلاص را بیشتر احساس کنند، چرا که هرچه این مراسم‏ها اصیل‏تر و وزین‏تر برگزار شود، (طوری که هم در شأن یک ایرانی شیعه بااخلاص باشد که از حیات تا ممات با اهل بیت(ع) عشق می‏ورزد باشد، و هم شأن آل ا...(ع) را حفظ کند) بار معنوی و فکری آن بیشتر و زمینه بهانه‏جویی و غرض‏ورزی بدخواهان، یا کج‏فکران کمتر خواهد شد و در جهت رشد معنوی و فرهنگی اجتماع، تأثیری به سزا خواهد داشت.

عرصه مداحی و هیأت، تبدیل به عرصه‏ای فعال و حساس در بستر فرهنگسازی خودجوش کشور شده است و بجاست توجه دقیق و بیشتری به آن شود. نکته دیگری که باید آن را متذکر شد، در مورد خود مداحان است. مداحان باید شعر و موسیقی اصیل را خوب بشناسند و در عرصه کاری خود ارایه دهند و درواقع، ترتیبی اتخاذ شود تا مداحان جوان، ابعاد مختلف این هنر والا را آموزش ببینند.

نکته دیگر در مورد شخصیت و منش مداحان است، که باید روی این موضوع بسیار حساس بود و بر آن تأکید ورزید. منش مداحان بیش از هر کسی باید به اهل بیت(ع) نزدیک باشد، چرا که خادم و نوکر اهل بیت(ع) از هر کسی به این خاندان نزدیکتر است، چرا که به مقام عنایت رسیده است و هنرش راوقف این فرهنگ و خاندان کرده است تا خلق خدا را مدام به یاد خاندان عشق و پاکی و نور بیاندازد و این، خود یک کار فرهنگی عظیم است.